

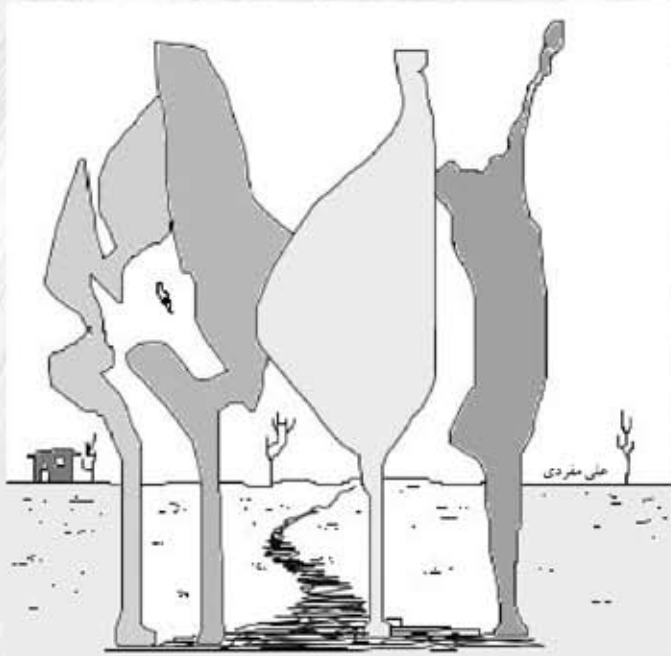


# گفتگوی تمدنها؛

## سیبی که از درخت افتاد

سید محمد عزیزی

دانشجوی پزشکی مشهد



خواب سفید! در همان زمان که در سازمان ملل، پشت تریبون ایستاده بودیم و از گفتگوی فرهنگها و تمدنها برای تمام رئیس جمهورهای خوب و بسا ادب این کره آتش سخن می گفتیم، چشم تمام واقع بینان به عضای سفیدی بود که به آن تکیه داده بودیم. از کدام تمدن ها برای جهانیان می گوئیم؟ هیچکس از ما نپرسید شما از کدام تمدن آمده اید؟ ... پرسیدند! چه جوابی دادیم؟ آیا به آنها از تمدن باشکوه باستانی دوهزار و پانصد ساله مان گفتیم؟ ما که سالیان سال است آثار هر چه تمدن ایرانی است نفی کرده ایم. ما که تمام تاریخ شکوهمند تمدن کهنمان را با واژه های ظالم، ستمگر، شاهان و... معادل کرده بودیم، برای غرب از کدام تمدن سخن رانندیم؟ با کدام تمدن می خواستیم با تمدن های دیگر گفتگو کنیم؟

امروز هم که ایده گفتگوی تمدنها و فرهنگها بمان به بار نشسته است (!) از ائتلاف برای صلح گفتیم؛ جهانی عاری از خشونت؛ مایی که هنوز با خودمان، به تعریف مشترکی از خشونت نرسیده ایم، بیانیه صلح صادر کردیم. اما نه! قرار بود از صلح و دوستی و گفتگو بگوئیم. باشد! صلح و دوستی چیز خوبی است. ما باید سعی کنیم با هم دوست باشیم. ما باید آدمهای متمدن و با فرهنگی باشیم و به هم لبخند بزنیم. باید به جای اخم، بهم گل تعارف کنیم. باید برای صلح، پیشنهاد و طرح ارائه دهیم. پیشنهاد می دهیم - شاید هم بهتر باشد دستور دهیم! - کلاس اولیها از این جمله ها روزی ده بار بنویسند: «من صلح را دوست دارم»؛ «بابا آب داد، مامان نان داد، رئیس جمهورمان طرح».

**ما که تمام تاریخ شکوهمند تمدن کهنمان را با واژه های ظالم، ستمگر، شاهان و... معادل کرده بودیم، برای غرب از کدام تمدن سخن رانندیم؟**

آری! ما جوانان و آینده داران این جهان (!) می بایست برای برقراری صلح پایدار، دست در دست هم دهیم، همدیگر را دوست و برادر خطاب کنیم، ترور را محکوم کنیم، در راهیمایی ها حضور قاطع داشته باشیم و شعار «مرگ بر» جنگ سر دهیم و بطور خود جوش، دمار از روزگار تمام آنهايي که معنی صلح و دوستی و تفاهم را نمی فهمند در بیاوریم.

فراخوان مقاله «نخستین همایش بین المللی ائتلاف جوانان صلیب سرخ و هلال احمر برای صلح و دوستی» بهانه خوبی برای پرداختن به موضوعات مختلفی بود که شاید به زعم گروهی از سیاستمداران و یا بهتر بگوئیم فیلسوفان و نظریه پردازان، راه حل بسیاری از مشکلات جهان پر سرخورد امروز باشد. این همایش طبق آنچه اعلام شده، با هدف پیشگیری از جنگ و خشونت و ترویج صلح و دوستی برپاست و نکته ای که قبل از هر چیزی به چشم می زند اصطلاح خوشایند صلح و دوستی است؛ همان هدف اول صلیب سرخ و هلال احمر. منتهی این بار هلال احمر و صلیب سرخ، قرار دارند صلح و دوستی را قبل از جنگ، ایجاد کنند؛ کاری که تا بحال نشده بود، آن هم برای مایی که عادت کرده بودیم این جمعیت را همیشه آرامش بخش بعد از حادثه ببینیم.

**ائتلاف برای صلح بیش از آنکه یک راهکار باشد - که مشارکت جوانان را بطلبد - شعار سیاسی دولتمردانی است که هر صبح، هوای تازه استنشاق می کنند**

ائتلاف برای صلح بیش از آنکه یک راهکار باشد - که مشارکت جوانان را بطلبد - شعار سیاسی دولتمردانی است که هر صبح، هوای تازه استنشاق می کنند. قرار بود هلال احمر فارغ از هر گونه دسته بندی ها و بیانیه های سیاسی باشد اما این بار - خواسته یا ناخواسته - در دام یک شعار سیاسی افتاده است.

همه می دانیم که طرح «گفتگوی تمدنها»ی رئیس جمهوری اسلامی ایران بعد از ایده «برخورد تمدنها»ی هانتینگتون بیان شد و نظریه «ائتلاف برای صلح» هم، ایده رئیس جمهوری ایران بود که در پاسخ به فراخوان «ائتلاف برای جنگ» رئیس جمهوری ایالات متحده، طرح شد.

در کجای دنیا نشسته ایم؟ برای کدام مردم از گفتگوی فرهنگها و تمدنها و از ائتلاف برای صلح سخن می گوئیم؟ چه کسی می خواهد این صلح پایدار را بنیان بنهد؟ قرار است دستهای ائتلاف صلح روی کدامین دست بنشیند؟ نشسته ایم؛ خودمان را در یک فضای خلأ قرار داده ایم. چشمهایمان را بسته ایم؛ به جهانی سفید فکر می کنیم، فکر می کنیم... یا که نه! اصلاً فکر نمی کنیم؛ به خواب رفته ایم، به یک